



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://ipr.isri.ac.ir>

Volume: 12 ; Number: 26



A Theoretical Framework for a Quranic Interpretation of Dignity-Oriented Foreign Policy with an Emphasis on Surah At-Tawbah

Mohammad Sadegh Heidari*, Hasan Khodadi**

Doi: <https://doi.org/10.22034/IRP.2025.479677.2185>

Received: 2024/9/21 - Accepted: 2025/2/16

(90-116)

Abstract

Most theories of international relations have been formulated solely with the aim of acquiring "power", "security" and "wealth", without paying attention to "self-respect and self-esteem". If we assume self-esteem as one of the constants of Islamic foreign policy principles, the main question of the present research is based on the following: by reflecting on the verses of Surah At-Tawbah, can other concepts such as "self-esteem and status-seeking" be extracted in addition to acquiring "power", "wealth" and "security" in Western theories in order to explain foreign policy and understand international relations? The present article seeks to prove the hypothesis that the concept of self-esteem can be transformed into three components: "self-willed limitation in conflicts", "priority of identity" and "status-seeking" and they can be considered in Surah At-Tawbah as a sign of "self-esteem and status-seeking" as constant principles of Islamic domestic and foreign policy. The importance of the discussion goes back to the fact that in recent years, considering the guiding and guiding role of political theoretical structures in national and global strategies, reflection on security theories of international relations has been given more serious attention by policy-making centers in many countries. The general approach of this research is derived from the descriptive-analytical method and the data collection and library method; and it is of the type of text reading (Quran text).

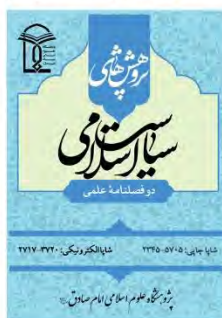
Keywords: dignity-seeking, Surah At-Tawbah, theories of international relations, pursuit of honor, foreign policy.

*. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Sari University of Agricultural Sciences and Natural Resources. m.heidari@sanru.ac.ir.

**.. Assistant Professor of Political Science, Department of Islamic Studies, Mazandaran University (corresponding author). h.khodadi@umz.ac.ir.



پژوهشگاه علوم اسلام صادق
پژوهشکده مطالعات سیاسی و دفاعی
P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720
تثانی پانگه نشریه: <http://ipr.isri.ac.ir>
سال دوازدهم، شماره بیست و ششم



چارچوبی تئوریک برای خوانشی قرآنی از سیاست خارجی عزت طلب با تأکید بر سوره توبه

محمدصادق حیدری*، حسن خدای**

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/IRP.2025.479677.2185

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸
(۹۰-۱۱۶)

چکیده

اکثر نظریات روابط بین‌الملل صرفاً باهدف کسب «قدرت»، «امنیت» و «ثروت»، بدون توجه به «کرامت نفس و عزت‌طلبی» صورت‌بندی شده‌اند. اگر عزت‌طلبی را به‌عنوان یکی از ثباتات اصول سیاست خارجی اسلام مفروض بگیریم، سؤال اصلی پژوهش پیش‌رو بر این اساس شکل گرفته است که با تأمل در آیات سوره توبه، آیا به‌جز کسب «قدرت»، «ثروت» و «امنیت» در نظریات غربی، مفاهیم دیگری همچون «عزت‌جویی و منزلت‌طلبی» نیز به‌منظور تبیین سیاست خارجی و فهم روابط بین‌الملل، قابلیت استخراج دارند؟ مقاله حاضر در پی اثبات این فرضیه است که می‌توان مفهوم عزت‌طلبی را به سه مؤلفه «محدودیت خودخواسته در منازعات»، «اولویت هویت» و «منزلت‌جویی» تبدیل و آن‌ها را در سوره توبه، نشانی از «عزت‌جویی و منزلت‌طلبی»، به‌عنوان اصول ثابت سیاست داخلی و خارجی اسلامی دانست. اهمیت بحث بازمی‌گردد به این مهم که در سال‌های اخیر با توجه به نقش راهبری و هدایت‌گری سازه‌های تئوریک سیاسی در استراتژی‌های ملی و جهانی، تأمل در نظریه‌های امنیتی روابط بین‌الملل مورد اهتمام جدی‌تر مراکز سیاست‌گذاری بسیاری از کشورها قرار گرفته است. رویکرد کلی این پژوهش، برگرفته از روش توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها و کتابخانه‌ای است؛ و از نوع متن‌خوانی (متن قرآن) است.

واژگان کلیدی: عزت‌جویی، سوره توبه، نظریه‌های روابط بین‌الملل، منزلت‌طلبی، سیاست خارجی.

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
m.heidari@sanru.ac.ir
**. استادیار علوم سیاسی گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)
h.khodadi@umz.ac.ir

۱. مقدمه

موضوع سیاست خارجی و روابط بین‌الملل و تحلیل آن، یکی از فعالیت‌های فکری و بسیار جدی در مراکز علمی مطرح جهان و عرصه عملی سیاست جهانی است. امری که حصول آن، سبب‌ساز اعتلای یک جامعه، ملت و کشور می‌شود و در مقابل، شکست در آن، افول و حتی نابودی آن واحد سیاسی و ملی را نتیجه می‌دهد. اندیشمندان این حوزه فکری، سعی دارند با رویکردی علمی و تحقیقاتی روشمند، رفتار سیاست خارجی کشورها را در عرصه بین‌المللی تشریح، تبیین و پیش‌بینی نمایند.

از سوی دیگر، اسلام دینی کامل، فرازمانی و فرامکانی است که با زندگی این جهانی و امور اجتماعی و سیاسی آن، ارتباط تنگاتنگی دارد؛ اما آنچه حائز اهمیت است، استخراج و تبیین الگوهای هنجاری و رفتاری اسلام در موضوع روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است که در عالی‌ترین شکل آن در تعالیم قرآن کریم و سیره پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام تجلی دارد.

اسلام دو بخش ثابت و متغیر دارد و ثبوتات آن ناظر به اصول و مبانی کلی رفتار دین‌داران است و در طول زمان بقا و ماندگاری دارد و جنبه متغیر آن از عرف و ضرورت‌های زمانه تأثیر می‌گیرد. اگر ثبوتات قرآنی در مورد ماهیت روابط سیاسی و روابط بین‌الملل را اصول سیاست داخلی و خارجی و روابط بین‌الملل بنامیم، می‌توانیم برخی از این ثبوتات سیاست خارجی را تحت عناوینی چون: توحیدگرایی (آل عمران: ۶۴)، عدالت محوری (ممتحنه: ۸)، نفی سبیل (نساء: ۱۴۱)، دعوت یا جهاد، عزت دینی، پایبندی به معاهدات بین‌المللی (اسراء: ۳۴)، همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح (انفال: ۶۱) و تولی و تبری (ممتحنه: ۹) صورت‌بندی کنیم.

بنابراین می‌توانیم از آموزه‌های قرآن کریم در کنار سیره عملی و فکری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام، به عنوان حوزه‌ای نو و جدید برای مفهوم‌سازی، الگوسازی، نظریه‌سازی و درنهایت، پارادایم‌سازی در روابط بین‌الملل بهره‌مند شویم؛ چراکه نظریه‌های متعارض روابط بین‌الملل موجود جهانی، اکثراً بر مبنای انسان‌تک ساحتی مادی، متشکل از دو عنصر

«میل» و «عقل» و تا حدودی غافل از بعد روحانی، اخلاقی و غیر مادی استوارند و آنچه واقعیت دارد، فراموشی و به حاشیه رانده شدن این عناصر در انسان‌شناسی مدرن و به تبع آن، نظریه‌های روابط بین‌الملل است. نظریات لیبرالیسم، رئالیسم، مکتب انگلیسی، مارکسیسم و حتی سازه‌انگاری، در انگیزه و سائقه میل (اشتها و شهوت) و یا محرک عقل ریشه دارند. در نتیجه بیشتر پارادایم‌ها و نظریات اصلی امنیتی روابط بین‌الملل، با هدف کسب «قدرت»، «امنیت» و «ثروت» و بدون توجه به کرامت نفس و عزت‌طلبی صورت‌بندی شده‌اند و کمتر نظریه‌ای وجود دارد که مبتنی بر محرک «عزت‌طلبی و منزلت‌جویی» باشد. به طوری که عزت‌طلبی و منزلت‌جویی افراد و ملت‌ها، شاید از قاموس واژگان سیاسی و فلسفی غرب جدا شده است، اما نقش‌آفرینی به‌عنوان یک «رانه بشری بنیادین» را رها نکرده است. با توجه به این خلأ تئوریک بشر غربی در نظریه‌های روابط بین‌الملل، استخراج و فهم چارچوب‌های کلان حاکم بر روابط بین‌الملل از قرآن کریم ضروری است.

نویسندگان این مقاله می‌کوشند، با توجه به دو واقعیت پیش‌گفته (خلأ تئوریک منزلت‌طلبی در نظریه‌های روابط بین‌الملل و ثباتات و متغیرات اسلامی)، با ارائه یک چارچوب نظری بومی و با محور قرار دادن آیات سوره توبه و نیز داده‌ها و اطلاعات گوناگون مستخرج از این سوره، سازه‌ای تئوریک برپا کنند و مفهوم عزت‌طلبی و منزلت‌جویی را به‌عنوان یکی از ثباتات سیاست خارجی قرآنی که در نظریه‌های رایج روابط بین‌الملل مدرن، به دست فراموشی سپرده شده است، مورد واکاوی قرار دهند؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش پیش‌رو بر این اساس شکل گرفته است که با تأمل در آیات سوره توبه، به جز کسب «قدرت»، «ثروت» و «امنیت»، چه مفاهیم دیگری قابلیت تبیین سیاست خارجی و فهم روابط بین‌الملل را دارند؟ مقاله حاضر در پی اثبات این فرضیه است که می‌توان مفهوم عزت‌طلبی را به سه مؤلفه «محدودیت خودخواسته در منازعات»، «اولویت هویت» و «منزلت‌جویی» تقسیم کرد و مصادیق آن‌ها را در آیات سوره توبه، نشانی از «عزت‌جویی و منزلت‌طلبی» به‌عنوان اصول ثابت سیاست خارجی اسلامی دانست.

نقش راهبری و هدایت‌گری سازه‌های تئوریک سیاسی در استراتژی‌های ملی و جهانی؛ و

نیز خلق چالش و تردید جدی در پیکره روایات کهن و جافتاده از مبانی نظریه‌های روابط بین‌الملل غربی - که پیش فرض بسیاری از اساتید، دانشجویان و سیاست‌مداران و تصمیم‌گیران حکومتی بوده است - ضرورت و اهمیت این تحقیق را بیش از پیش آشکار می‌کند و راه را برای صورت‌بندی افق‌ها و پیش‌فرض‌های جدید، به‌منظور پیش‌درآمدی برای تأسیس نظریه‌های بومی اسلامی ایرانی در روابط بین‌الملل، می‌گشاید.

۲. روش پژوهش

الف. روش و منابع پژوهش

رویکرد کلی این پژوهش، برگرفته از روش توصیفی - تحلیلی است و شیوه گردآوری داده‌ها، کاملاً کتابخانه‌ای و از نوع متن‌خوانی (متن قرآن) است.

ب. روش اثبات فرضیه

به‌منظور احراز اثبات فرضیه، در ابتدا اگر بتوان نشان داد که حوادث مورد اشاره در سوره توبه، ناشی از مؤلفه‌های عزت‌جویی است، می‌توان نقش آن را در مراحل از منازعه احراز کرد. بدین منظور باید بررسی کرد آیا «محدودیت خودخواسته بر منازعه» نزد تصمیم‌گیران اصلی، در شکل‌گیری هر یک از مراحل تاریخ سیاست خارجی اسلام مؤثر بوده است یا خیر؟ این مؤلفه‌ها در آیات سوره توبه و رفتار پیامبر ﷺ مورد جست‌وجو قرار می‌گیرند.

۳. پیشینه پژوهش

تأمل در باب نظریه‌های روابط بین‌الملل، همواره مورد توجه بسیاری از محققین و پژوهش‌گران غیر غربی، اسلامی و ایرانی بوده است. به‌عنوان مثال: محمد ایوب (۱۳۸۱) در مقاله «معضل امنیت ملی در جهان سوم»، ریچارد لیتل (۱۳۸۹) در مقاله «تاریخ جهان و توسعه نظریه غیر غربی روابط بین‌الملل»، ناومیتا چادا بهارا (۱۳۸۹) در مقاله «انگارش دوباره روابط بین‌الملل در هند»، لونارد سباستین (۱۳۸۹) در مقاله «تصور رویکردهای اندونزیایی در قبال نظریه بین‌الملل»، دهقانی فیروزآبادی و شکری (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل راهبرد مقاومت در دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نظریه

فرهنگی روابط بین‌الملل»، رکابیان و پورحسن (۱۴۰۱) در مقاله «جایگاه عزت ملی به مثابه قدرت نرم در روابط خارجی، در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، نایج، نگهداری و نوروزی (۱۴۰۰) در مقاله «تألیف قلوب و عزت در سیاست خارجی دولت اسلامی»، صفری فروشانی (۱۳۸۱) در مقاله «عزت‌طلبی در نهضت امام حسین (ع)»، نوری (۱۳۹۲) در مقاله «منزلت‌طلبی به مثابه سیاست خارجی»، رستمی و حسن‌آبادی (۱۳۹۴) در مقاله «امنیت هستی‌شناختی و الگوهای پیشرفت در جمهوری اسلامی ایران»، شبان‌نیا (۱۳۹۹) در مقاله «استلزامات رفتاری اصل عزت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، علی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «مبانی تعلیم و تربیت انقلاب اسلامی در زمینه بازتولید قدرت نرم با تأکید بر بیانیه گام دوم»، شکوهی (۱۴۰۰) در مقاله «قدرت انگاره‌ها به مثابه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، رجبی (۱۴۰۰) در مقاله «شناسایی مؤلفه‌های قدرت نرم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ایالات متحده آمریکا»؛ همگی نگاهی به مبحث عزت‌طلبی در سیاست خارجی اسلام و یا جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند، اما از حیث برپایی یک سازه‌تئوریک قابل اتکا و ارائه در محافل ملی و بین‌المللی، تاکنون اثر قابل توجهی در این باره ترسیم نشده است.

شاید در بین آثار غربی شاخص‌ترین نظریه منزلت‌طلبی متعلق به ریچارد ندلیو در کتابی با عنوان «نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل» (۱۳۹۱) باشد. نویسنده کتاب (ریچارد ندلیو) با مطرح کردن مبحث روح در نظریه‌های روابط بین‌الملل، معتقد است که نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، اعم از نظریه‌های خردگرایی جریان اصلی و انتقادی، همگی بر مبنای انسان تک‌ساحتی مادی عاری از هرگونه بعد روحانی و معنوی، استوارند که در عصر روشنگری متولد شدند؛ بنابراین انسان مدرن برآمده از پروژه روشنگری، موجودی تک‌ساحتی است که از میان سه محرک انسان عصر افلاطون و ارسطو، تنها با انگیزه میل و عقل برانگیخته می‌شود. سپس ندلیو از این بحث نتیجه می‌گیرد که پارادایم‌های نوواقع‌گرایی، لیبرالیسم، مارکسیسم و حتی سازه‌انگاری، در انگیزه میل و عقل ناشی از آن، ریشه دارند و بنابراین هیچ‌یک از پارادایم‌های اصلی روابط بین‌الملل، بر روح استوار نیستند. ندلیو در این

کتاب تلاش کرده است تا نظریه‌ای روح‌محور ارائه دهد و این خلأ و غفلت مفهومی را برطرف سازد.

باری، در عمده آثار پیش‌گفته - به‌جز نظریه ریچارد ندلیو - یک سازه تئوریک موفق ارائه نشد؛ بااین‌وجود، در تعدادی از مقالات متعلق به نویسندگان مسؤل مقاله حاضر که پیش‌ازین در سایر نشریات به چاپ رسیده، این سازه تئوریک، صورت‌بندی و ارائه شده است. درواقع پژوهش پیش‌رو، در ادامه منظومه مطالعاتی و پیشین نویسندگان مسؤل مقاله و با رویکرد جدید قرآنی به رشته تحریر درآمده است. وی پیش‌تر، در پنج مقاله (حاجی‌ناصری و خدای، ۱۳۹۵؛ خدای، ۱۳۹۶؛ خدای، ۱۳۹۷؛ خدای، ۱۳۹۹؛ و خدای و رزقی، ۱۴۰۰) به برپایی و تشریح چنین چارچوب تئوریک بدیعی پرداخته است.

۴. چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی پژوهش پیش‌رو از مبحث «تعریف عملیاتی شاخصه‌های عزت‌جویی» نشأت گرفته است؛ بنابراین سعی نگارندگان بر تشریح و تبیین شاخصه‌های عزت‌جویی (محدودیت خودخواسته بر منازعه، اهمیت یافتن هویت و منزلت‌جویی) و حیات دادن به این شاخصه‌ها با بررسی آیات سوره توبه است.

۴-۱. تعریف مفهومی متغیرها

۴-۱-۱. چیستی عزت‌جویی

در‌سطور پیشین گفته شد که عزت‌جویی، به‌عنوان متغیر مستقل و مهم‌ترین مفهوم مورد بررسی در این مقاله است. توضیح آنکه، غریزه صیانت ذات، غریزه‌ای طبیعی و نخستین قانون طبیعی است، اما آدمی به صیانت ذات بسنده نمی‌کند و از دایره تسکین مشتهیات جسمانی فراتر رفته، به‌سوی عالم خواسته‌های معنوی و روحانی که همان شرافت و کرامت است، طی مسیر می‌کند و با عوامل تحقیرکننده که مانع نشو و نمای او می‌شود، ناسازگاری می‌کند. از همین روست که احساس توانمندی (نساء: ۱۳۹؛ یونس: ۶۵؛ فاطر: ۲ و ۱۰؛ مائده: ۱۱۸ و ابراهیم: ۴) و احساس ارزشمندی (اسراء: ۷۰؛ بقره: ۳۰؛ حجر: ۲۹؛ تین: ۴ و...) دو حس تشکیل‌دهنده کرامت و عزت‌جویی است.

بنابراین عزت‌جویی رفتاری با هدف کسب تکریم است. به همین دلیل، انسان‌ها بر اساس طبع کرامت‌آمیز خود خواهان تکریم هستند و به استخفاف و تحقیر خود توسط دیگران و تحقیر دیگران توسط خود رضایت نمی‌دهند، مگر عده‌ای که از کرامت نفس خود و دیگران غافل باشند. از سوی دیگر، خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن، عزت را تماماً و بالإصالة از آن خویش می‌داند (فاطر: ۱۰؛ یونس: ۶۵؛ نساء: ۱۳۹) و در آیات دیگر، آن را بعد از خود، متعلق به رسول خدا و مؤمنین معرفی می‌کند (منافقون: ۸). از این‌رو در قرآن کریم، پیامبر ﷺ و مؤمنان نیز در ردیف خداوند، عزیز شمرده می‌شوند.

عزت خود را به دو شکل در رفتار کنشگر نشان می‌دهد. اول: خود بدل به هدف غایی کنشگر می‌شود و دوم: راهنمای رفتار می‌شود و بدین نحو رفتار کنشگر به نوعی با عزت محدود می‌شود. از این‌رو، مؤلفه‌های مفهوم عزت‌جویی نیز عبارت از «محدودیت خودخواسته بر منازعه، اهمیت یافتن هویت و منزلت‌جویی» هستند.

در ادامه سعی شده است تا ماهیت این مؤلفه‌ها بر اساس مطالب پیش‌گفته، مشخص، تحلیل و ارزیابی شود تا مقصود و مصادیق هر یک معلوم گردد؛ و در قسمت بعد، مصادیق عینی آن‌ها با توجه به آیاتِ سوره توبه بررسی خواهد شد.

۴-۱-۲. محدودیت خودخواسته بر منازعه

محدودیت خودخواسته بر منازعه، شامل محدودیت در ابزار منازعه، محدودیت ناشی از قواعد بر منازعه و محدودیت در اهداف منازعه است. (Lebow, 2008a: 149).

محدودیت در ابزار منازعه را می‌توان به شکلی ساده این‌گونه توضیح داد که کنشگر، علی‌رغم توانایی استفاده از یک ابزار جنگی خاص و علی‌رغم دانستن این موضوع که استفاده از این ابزار، موقعیت او را در منازعه بهبود می‌بخشد، از آن بهره نمی‌برد. محدودیت ناشی از قواعد بر منازعه را نیز می‌توان این چهار محدودیت دانست؛ اول: ایجاد محدودیت بر خود با توافق بر سر زمان و مکان منازعه (Lebow, 2008a: 20)، دوم: محدودیت ناشی از مهمان‌نوازی (Lebow, 2008b)، سوم: محدودیت ناشی از قراردادهای پیشین یا وفای به عهد و چهارم: محدودیت ناشی از جوانمردی.

محدودیت در اهداف منازعه، درواقع تعیین اهدافی به‌غیراز اهداف متعارف در منازعات است. اگر اهداف متعارف در منازعات را تسخیر یا افزایش عمق استراتژیک به‌منظور کسب ثروت یا امنیت و بقاء بدانیم، اهداف منازعات با هدف کسب عزت، عبارت از خودابرازی در قالب نمایش رقابتی شجاعت، سلحشوری و جنگاوری و یا احیاء اعتبار است (Lebow, 2008a: 162-164).

۴-۱-۳. اهمیت یافتن هویت

هویت را چیزی تعریف می‌کنیم که کنشگر با الصاق خود به آن و ادعای مالکیتش، خود را تعریف و از دیگر کنشگران متمایز می‌کند. در اینجا عنصر «تفاوت» بسیار کلیدی است. هرگونه مانع در برابر تکوین هویت، یا حمله به آن به‌عنوان تهاجم به خود کنشگر تلقی می‌شود و واکنش منازعه‌آمیز آن کنشگر را به همراه خواهد داشت که بر دو قسم است؛ اول: اولویت یافتن امنیت هستی‌شناختی به امنیت فیزیکی و دوم: دنباله‌روی نخبگان تصمیم‌گیر از دیگر نخبگان و توده.

در جوامع عزت‌محور، اهمیت یافتن هویت، به «هدف نبودن» بقاء پیوند می‌خورد. در این جوامع «اولویت بقاء و امنیت» پایین‌تر از «اولویت هویت» قرار دارد؛ یعنی در چنین جامعه‌ای «امنیت هستی‌شناختی» نسبت به «امنیت فیزیکی»، شأن و اولویت بیشتری دارد. به بیان دیگر، اگر یک واحد سیاسی، امنیت هستی‌شناختی‌اش را بر امنیت فیزیکی ترجیح دهد، این جامعه در پی حفظ حیثیت خود از طریق هویت است.

۴-۱-۴. منزلت‌جویی

سومین مؤلفه عزت‌جویی، منزلت‌جویی است که بر شکل‌گیری، تداوم و پایان منازعات تأثیرگذار است. اگر شهرت را با تساهل، مفهومی نزدیک به منزلت بدانیم، دو مفهوم عزت و منزلت به‌واسطه مفهوم حیثیت به هم مرتبط می‌شوند.

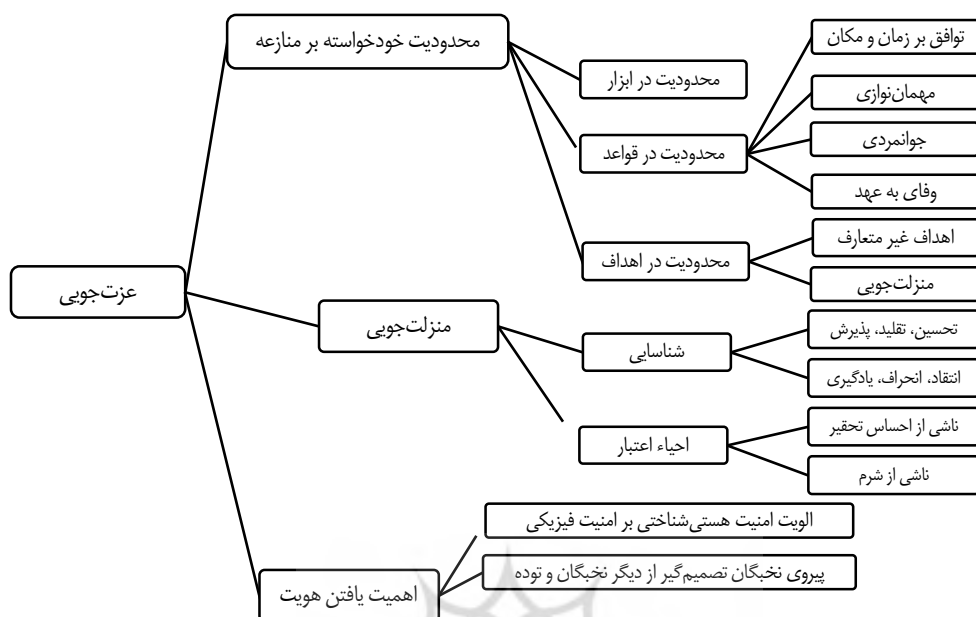
با این توضیحات انتزاعی و به‌منظور عینی بخشی بیشتر به مفهوم منزلت‌جویی با استفاده از مفهوم شهرت که در این توضیحات آمد، منزلت‌جویی را به مفهوم عینی‌تر «احیاء اعتبار» تبدیل می‌کنیم و در ادامه به شرح آن می‌پردازیم.

۴-۱-۵. احیاء اعتبار

احیاء اعتبار مربوط به شرایطی است که در آن اعتبار کنشگر از میان رفته است و کنشگر دست به تلاش برای احیاء آن می‌زند. فرآیند احیاء اعتبار بسته به برداشت‌های کنشگر از علل و دلایل از میان رفتن اعتبار اولیه دو نوع است: کنشگر از میان رفتن اعتبار خود را یا ناشی از تحقیر و توهین (Onuf, 2009: 147) از سوی کنشگری دیگر، یا ناشی از شرم (Steele, 2008: 41; Bowman, 2006: 27) و از دست رفتن یک موقعیت و اعتبار تاریخی می‌داند. احیاء اعتبار در نوع اول از فرآیند «تحقیر، خشم و انتقام» و در نوع دوم از فرآیند «شرم و جبران» صورت می‌گیرد.

تحقیر یا ناشی از مواردی خاص برای کنشگر برتر مانند آسیب دیدن (Lebow, 2008a: 534) یا احساس ندای هم‌اورد طلبی از سوی کنشگر پایین‌تر (Lebow, 2008a: 69) است؛ و یا ناشی از مواردی عمومی برای تمام کنشگران مثل عهدشکنی، مورد تهدید واقع شدن، وعده پاداش نامناسب (Lebow, 2008a: 552-553)، وجود موانع در برابر خودابرازی (Lebow, 2008a: 19) و زیر سؤال رفتن استقلال (Lebow, 2008a: 15; O'Neill, 1999: 87-88) است.

در عرصه سیاست خارجی نه دولت‌های ضعیف، بلکه دولت‌های قدرتمند هستند که تحقیر را تجربه می‌کنند. دولت‌هایی در سلسله مراتب پایین‌تر قدرت که قدرتی بالاتر از خود را هم‌اورد تلقی کنند، موجب بروز خشمی در آن کنشگر برتر می‌شوند که ناشی از احساس تحقیرشان از سوی کنشگر فرومایه‌تر است (Lebow, 2008a: 69). در ادامه کنشگر در وضعیت تحقیر، دچار خشم می‌شود و نهایتاً دست به انتقام (Bowman, 2006: 21 & 27) می‌زند. انتقام که در شکل ساده‌اش عبارت از درگیری در خشونت است، ایجاب می‌کند که احیاء اعتبار نیازمند مشارکت در خشونت باشد (O'Neill, 1999: 91). تحقیر باید کاملاً محو شود و در ملاء عام جزای عامل شرم داده شود، چنانکه همه بتوانند شاهد این انتقام باشند و آن را درک کنند. صرف هیچ هزینه‌ای برای این اهداف زیاد نیست (Bowman, 2006: 27).



۵. یافته‌های پژوهش

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، نویسندگان این تحقیق در پی آن‌اند تا با توجه به آیات سوره توبه و داده‌ها و اطلاعات مستخرج از این سوره، سازه‌ای تئوریک برپا کنند و مفهوم عزت‌طلبی و منزلت‌جویی را به‌عنوان یکی از ثبوتات سیاست خارجی قرآنی که در نظریه‌های رایج روابط بین‌الملل مدرن، به دست فراموشی سپرده شده است، در سه محور «محدودیت خودخواسته»، «هویت‌یابی» و «منزلت‌جویی» مورد واکاوی قرار دهند.

۵-۱. فضای نزول سوره توبه

سوره توبه سوره‌ای مدنی است که به برخی از مهم‌ترین آیات قرآن در مورد اداره جنگ و روابط سیاسی در زمان صلح اشاره دارد. این سوره که به سوره «برائت» نیز شهرت دارد، در دوران هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، یعنی در بحبوحه درگیری با مخالفان داخلی و خارجی نازل شده است. روح کلی این سوره از یک‌طرف، در مورد کفار و مشرکینی است که با عهدشکنی و فتنه‌انگیزی، در برابر نهضت نوپای توحیدی موضع گرفته‌اند و از طرف دیگر، به عملکرد منافقین عصیانگری می‌پردازد که از داخل امت اسلام، موجبات تضعیف جبهه خودی را

فراهم ساخته‌اند.

روایت شده است، پیامبر گرامی اسلام، در نخستین حج پس از فتح مکه، امام علی (ع) را جهت اعلام برائت از مشرکان و بیان چهار نکته به کسانی که در مکه گرد هم آمدند، به حج فرستادند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹: ۱۶۶-۱۶۵).

۵-۲. محدودیت خودخواسته بر منازعه

محورهای اصلی محدودیت خودخواسته در منازعه را می‌توان با توجه به موارد ذیل، بررسی کرد:

۵-۲-۱. محدودیت خودخواسته با توافق بر سر زمان و مکان

آیه نخست سوره توبه اعلام بی‌زاری (برائت) و فسخ پیمانی میان پیامبر (ص) و مشرکان است: «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (توبه: ۱) از این آیه پیداست، آتش‌بس و قراردادی که تا آن زمان، میان مسلمانان و مشرکان موجود بوده- به خاطر عهدشکنی مشرکان- به پایان رسیده است. علی‌رغم این پیمان‌شکنی آشکار مشرکان، در آیه سوم سوره توبه، قرآن کریم از یک مهلت «ترک مخاصمه چهارماهه» سخن گفته (فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ) و از مشرکان عهدشکن خواسته است تا در این مدت طولانی تعیین‌شده، نیک بیندیشند؛ یا توبه کرده (فَإِنْ تَبُتُمْ فَرَّغْهُ خَيْرَ لَكُمْ) و به پیمان صلح و آشتی گردن نهند و یا شهر و دیار مکه را که جایگاه کعبه و مرکز توحید است، ترک کنند. مسلماً در صورت خودداری از تمکین به این شرایط و ادامه دادن به مخالفت و پیمان‌شکنی، مسلمانان نیز وظیفه داشتند با آنان پیکار کنند.^۱ با توجه به مؤلفه «محدودیت خودخواسته با توافق بر سر زمان و مکان» و نیز «سیاق و ساختار» آیات آغازین سوره توبه می‌توان گفت:

۱. پیداست علی‌رغم این پیمان‌شکنی آشکار، باآنکه مسلمانان در موضع قدرت بودند- به فرمان خدا- به مشرکان «چهار ماه» مهلت دادند تا آزادانه در «شهر مکه» رفت‌وآمد کنند و

۱. فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ: پس چون ماه‌های حرام [آتش‌بس چهارماهه] سپری شد، [اگر آنان همچنان بر موضع خود باقی ماندند] پس مشرکین [پیمان شکن] را بکشید و.... (توبه: ۵)

پس از بررسی شرایط به وجود آمده، یا توبه کرده به پیمانی که پیش‌تر داشته‌اند، پایبند باشند و یا مکه را که شهر توحید است، ترک کنند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۵) آنچه مسلم است، در این گفتار قرآن بر دو نکته تأکید شده است: اول: اگر پیامبر گرامی اسلام و مسلمانان به دنبال بسط قدرت و کسب ثروت بودند، بلافاصله در همان ابتدای کار و پیش از مهلت چهارماهه، می‌بایست با بهانه قرار دادن «عهدشکنی» برخی از مشرکان (توبه: ۱ و ۴)، به جنگ و نابودی آنان و تثبیت قدرت خود اقدام می‌کردند؛ اما به دلیل آنکه بنای کنش سیاسی در اسلام بر اساس عزت‌طلبی و منزلت‌جویی است، مسلمانان نیز به صورت خودخواسته، به مدت چهار ماه بر خود «محدودیت خودخواسته بر زمان» اعمال کردند و علی‌رغم عهدشکنی مشرکان، هرگونه نزاع و درگیری را ترک گفته و به مشرکان مهلت دادند تا هر جا که می‌خواهند بروند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۲۸۴).

۲. هرچند حضور مشرکان در شهر مکه، به لحاظ اعتقادی، امنیتی و نظامی آسیب‌هایی برای جامعه نوپای اسلامی در بر داشت، اما با توجه به پیمان‌شکنی مشرکان، پیامبر گرامی اسلام و مسلمانان، با اعمال «محدودیت خودخواسته بر مکان»، به آنان اجازه داده‌اند تا در شهر مکه، به عنوان محل توافق شده، آزادانه رفت‌وآمد نمایند و این موضوع در مرکز اجتماع عمومی حجاز یعنی در کنار خانه کعبه، آن‌هم در روز عید قربان به آگاهی همه رسانده شد (توبه: ۳) تا مشرکان زمان کافی و مکان مناسب (مکه) برای فکر و اندیشه بیشتر پیدا کنند، شاید دست از آیین خرافاتی که مایه عقب‌ماندگی، جهل، خباثت و پایمال شدن عزت و کرامت نفس قدسی‌شان است، بردارند. (همان)

۵-۲-۲. محدودیت ناشی از وفای به عهد و قراردادهای پیشین

در آیاتی از قرآن کریم، آشکارا بر حفظ و پایبندی به عهد و پیمان تأکید شده (مانده: ۱؛ اِسرَاء: ۳۴) و این مسئله شامل تمامی قراردادهای و تعهدات فردی، اجتماعی و سیاسی است که به زبان آمده یا نوشته شده است. موضوع «عهد و پیمان» یکی از محورهای اصلی سوره توبه است که مشتقات آن مانند: «عَاهَدْتُمْ، عَهْدُهُمْ، غَاهَدَ و...»، ۸ بار در این سوره تکرار شده است که پس از سوره بقره، رتبه دوم را دارد (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۲۱).

از ساختار آیات آغازین سوره توبه نیز پیداست که پس از فتح مکه، پیمانی میان مسلمانان و مشرکان در میان بوده است که دو طرف خود را به رعایت آن ملزم می‌دانستند؛ اما به تعبیر قرآن، گروهی از مشرکان بندهایی از این پیمان را نقض نموده و در مواردی، افرادی را علیه مسلمانان پشتیبانی کرده‌اند. این مسئله باعث شد تا پیامبر ﷺ و یارانشان در برابر این عهدشکنی، رویکرد و سیاست تازه‌ای را برگزینند؛ سیاستی که با ابلاغ شرایط جدید از سوی ایشان، آن‌هم توسط امام علی (ع) صورت گرفت.

آیه هشتم سوره توبه نیز از این رفتار ناپسند مشرکان (عهدشکنی) پرده برداشته است؛ و تأکید می‌کند که اگر مشرکان در موضع قدرت قرار گیرند، نه خویشاوندی و نه پیمان، هیچ‌یک را رعایت نمی‌کنند: «كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَقْبَلُوا فِيكُمْ إِلَّا وَ لَا ذِمَّةٌ يُضَوِّنُكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ تَأْتِي قُلُوبُهُمْ وَ أَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ» (توبه: ۸)

از همین‌روست که قرآن بیش از آنکه «باور» (غیرمسلمان بودن) آنان را مورد سرزنش قرار دهد، «پیمان‌شکنی» و «رفتار» ناشایست آن‌ها را که امری غیر عزتمند است، ناپسند برشمرد و در آیه پنجم سوره توبه، به استفاده از زور و برخورد سخت با آنان فرمان داده است. هرچند قرآن کریم در عبارت «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» (توبه: ۵) به صراحت چنین نکته‌ای را بیان فرموده است، با این حال، از مسلمانان می‌خواهد تا با آن دسته از مشرکان که وفادارانه، به تعهدات خویش عمل کرده و علیه مسلمانان فعالیتی را انجام نداده‌اند، خویشستن‌داری نموده و به پیمان‌های پیشین خود متعهد باشند؛ چراکه خدا خویشستن‌داران را دوست دارد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۴ و ۷).

این «محدودیت خودخواسته ناشی از قراردادهای پیشین» که به واسطه «وفای به عهد» مورد تأکید قرآن است و نشانی از ارزش عزت‌طلبی در کنش سیاسی دارد، در دو فراز از آیات آغازین سوره توبه اشاره شده است:

۱. «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يَظَاهَرُوا عَلَيْكُمْ أَوَّارًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»: مگر مشرکانی که با آنان پیمان بسته‌اید، [و عملاً] چیزی [هیچ بندی] از پیمان با شما را نکاسته و احدی را علیه شما پشتیبانی نکرده‌اند، پس

به پیمان با آنان تا سرآمد مدتشان وفادار باشید، مسلماً خدا پرهیزگاران [مردم پایبند به تعهدات] را دوست دارد (توبه: ۴).

۲. «كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ»: چگونه ممکن است برای مشرکین [پیمان‌شکن] عهدي نزد خدا و رسولش باشد؟ مگر گروهی [از مشرکین] که با آنان نزدیک مسجدالحرام پیمان بستید [و همچنان وفادارند]، پس تا زمانی که بر سر پیمان‌تان ایستاده‌اند، شما نیز بر پیمان‌تان بایستید که مسلماً خدا پرهیزگاران را دوست دارد (توبه: ۷).

اگرچه در آیات اول تا سوم سوره توبه، خدای قرآن و رسولش از «مشرکین عهدشکن» برائت جسته‌اند، اما این آیات، به عموم مشرکان یا حتی عموم مشرکان عرب اختصاص ندارد، بلکه با توجه به قرائن موجود، تنها درباره یکی دو قبیله مشرک حجاز است که به علت پیمان‌شکنی‌های مکرر، دیگر اعتمادی به عهد و پیمان‌شان نبود و در غیاب پیامبر ﷺ - آن هنگام که به تبوک عزیمت کرده بود- پیمان‌شان را شکستند. (ر.ک: دُرُوزَه، ۱۴۲۱، ج ۹: ۳۴۳-۳۴۲) باین وجود، در آیه چهارم، آشکارا مشرکینی را که به صورت مستقیم و غیرمستقیم، هیچ بندی از پیمان‌شان را نشکسته‌اند و کسی را علیه مسلمانان پشتیبانی نکرده‌اند، مستثنا نموده و با بیان جمله استثنایی «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»، آنان را از دایره پیمان‌شکنان جدا ساخته است.

اما در آیه پنجم به مسلمانان اجازه داده شد تا پس از پایان زمان توافق (چهارماهه)، صرفاً با «مشرکین عهدشکن» (نه عموم مشرکین) که تکلیف خود را با جامعه اسلامی مشخص نکرده‌اند، سخت برخورد کنند تا مردم مسلمان از معاشرت و همزیستی با آنان آسیبی نبینند. نکته حائز اهمیت اینکه در انتهای آیه پنجم با بیان جمله اشتراطی «فَإِنْ تَابُوا...» و نیز در آیه ششم -با نگاهی مهربانانه- بار دیگر به مسلمانان یادآور می‌شود که در این میان، اگر مشرکانی توبه کرده و به جرگه مسلمانی درآمدند (فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ)، رهایشان سازند (فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ)، یا پناهشان دهند (وَ إِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ) و متعرض آنان نشوند (ثُمَّ أُنَبِّئْهُ مَأْمَنَهُ) (نک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۰۵-۲۰۳).

۵-۲-۳. محدودیت خودخواسته ناشی از جوانمردی و مهمان‌نوازی

آیه ششم سوره توبه مصداق نیکویی از رفتار و کنش پیامبر ﷺ در مواجهه با مشرکان و مخالفان، با توجه به «محدودیت خودخواسته ناشی از جوانمردی و مهمان‌نوازی» است؛ چراکه این آیه در میان آیات برائت و سلب امنیت از مشرکین، جمله‌ای معترضه به حساب می‌آید و بیانگر حکم «پناه دادن» به مشرکینی است که از عملکرد گذشته خود پشیمان گشته و خواهان گفتگوی سازنده با پیامبر گرامی اسلام، در فضایی امن و آرام هستند تا با خاطری آسوده کلام خدا را بشنوند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۰۶).

همان‌طور که گفته شد پس از پیمان‌شکنی مشرکان، دیدگاه جامعه اسلامی نسبت به آنان تغییر یافت و نزول آیات ابتدایی سوره توبه - که در مواردی مسلمانان را به استفاده از زور و برخورد سخت با پیمان‌شکنان نیز فرمان داده - به خوبی از خصومت میان مسلمانان و مشرکان پرده برداشته است. این مسئله باعث شد تا قرآن کریم از پیامبر ﷺ بخواهد، نسبت به مشرکانی که بر عهد و پیمانشان استوار ماندند و یا در میانه راه دشمنی با جامعه اسلامی، نادم و پشیمان از موضع خصمانه خود عقب‌نشینی کردند، نگاه ویژه‌ای داشته باشد و از سر رأفت، فتوت و جوانمردی، به آنان پناه دهد (اِسْتَجَارَكَ فَأَجِزْهُ) تا با فکری آسوده سخن خدا را بشنوند (حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ) و سپس آنان را به محل امنی برساند (ثُمَّ أَلْبِغْهُ مَأْمَنَهُ):

«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِزْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَلْبِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهش ده تا کلام خدا را [مستقیماً از خودت] بشنود، آنگاه او را [از خطر مسلمانان خودی] به محل امنش برسان، از این‌روی که آنان مردمی ناآگاه‌اند.» (توبه: ۶)

در این آیه، از عبارت «مَأْمَنَهُ = مَأْمَن + ة»^۱ نیز پیداست، فردی که به پیامبر ﷺ پناه آورده است، در شهر مکه امنیت دارد و این امنیت نیز، موقتی و گذراست؛ چراکه مأمن اصلی او، در حقیقت شهر و دیار خود اوست و چون اکنون، از منازعه با مسلمانان دست کشیده و از

۱. در این آیه «مأمن» را به ضمیر شخص پناهنده اضافه کرده؛ یعنی اینجا که مأمن مسلمانان است، او نیز موقتی و گذرا در امان است.

شهر و دیار خود به مکه و شخص پیامبر پناهنده شده است تا آزادانه به تحقیق و گفتگو بپردازد، در امان است. از نگاه علامه طباطبایی، آیه ششم سوره توبه، آن حکم عمومی را که در آیه «فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ...» (توبه: ۵) بیان شده، تخصیص زده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۰۶)؛ زیرا ممکن بود دشمنی با عموم مشرکان، برخی از مسلمانان را به برخورد سخت با این گروه - که در پی مطالعه و بررسی دعوت پیامبر ﷺ بودند- وادارد. به همین دلیل قرآن کریم از پیامبر گرامی اسلام می‌خواهد تا با چنین افرادی، در نهایت آرامش و جوانمردی برخورد کند و به آنان فرصت اندیشه و تفکر دهد تا آزادانه به ارزیابی آیین اسلام بپردازند؛ و پس از پایان مدت بررسی نیز، آن‌ها را به جایگاه امنی برساند و کسی در میانه راه مزاحمشان نشود (همان، ج ۹: ۲۰۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۱۳).

بااین‌وجود، اگر رویکرد پیامبر گرامی اسلام و جامعه قرآنی صرفاً کسب قدرت و ثروت بود، الزامی به رعایت اخلاق جوانمردی و مهمان‌نوازی وجود نداشت، اما از آنجاکه ارزش اساسی در کنش سیاسی جامعه اسلامی و قرآنی، «عزت‌طلبی» است، رعایت و اعمال «محدودیت خودخواسته ناشی از جوانمردی و مهمان‌نوازی» از اهمیت بالایی برخوردار است.

۵-۲-۴. محدودیت در اهداف منازعه

در قرآن کریم منازعه و جنگ برای کسب «قدرت» و «ثروت» مقبول نیست، بلکه تنها به کسانی اجازه پیکار داده شده است که مظلوم واقع شده‌اند: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا» (حج: ۳۹). اگر به سیاق و ساختار آیات جهاد دقت شود، «جهاد» صرفاً با کسانی که از حد گذشته (بقره: ۱۹۰) و آغازگر جنگ بوده‌اند (توبه: ۱۳)، مجاز است. در این‌گونه آیات، مفهوم «تقوا» بیشترین کاربرد را دارد. (بقره: ۱۹۴) یعنی در قرآن کریم، هم به جهاد دفاعی برای مهار متجاوزان و کاستن دامنه خشونت، اشاره شده است؛ و هم اولویت را بر خویشتن‌داری، گذشت و صرف نظر کردن از برخورد قهری قرار داده؛ و از مخاطبانش خواسته است تا در ارتباط با مخالفان، بر نفس خویش تسلط داشته باشند و از زیاده‌روی و

خروج از عدالت و کرامت نفس، خودداری نمایند تا با جدیت و غیرت از حریم عزت، اعتبار و آسایش خود دفاع کنند (ر.ک: خرمشاهی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۱۵۱).

بخش‌هایی از سوره توبه به غزوه تبوک اشاره دارد. غزوه تبوک آخرین غزوه پیامبر ﷺ است که در سال نهم هجری روی داد و درنهایت، هیچ درگیری میان مسلمانان و رومیان پیش نیامد. برخی از مورخان هدف پیامبر ﷺ را از این غزوه، مقابله با تحرکات نظامی رومیان نوشته‌اند (ابن سعد، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۵۰؛ بلاذری، ۱۴۱۲: ۷۱)، اما یعقوبی علت غزوه تبوک را خون‌خواهی جعفر بن ابی طالب دانسته است که در نبرد موته به دست سپاه روم به شهادت رسید (یعقوبی، ۱۴۳۱، ج ۱: ۳۸۷).

با این وجود، از بررسی متون تاریخی چنین برمی‌آید که هدف پیامبر ﷺ از اعزام سپاه به موته و تبوک، تسخیر سرزمین یا افزایش عمق استراتژیک به منظور کسب ثروت و بسط قدرت نبوده و ماهیتی کاملاً عزت‌جویانه در برابر اعمال فشار و تهدید و تجاوز علیه مسلمانان داشته است؛ و یا به مثابه اقدامی سیاسی-نظامی متناسب با شرایط و مناسبات قوای آن دوره در سرزمین حجاز، آن‌هم به منظور ایجاد حاشیه امنیتی برای مردم و حکومت اسلامی بوده است؛ بنابراین هر یک از این رویدادها، صرفاً در جهت نشان دادن منزلت و عزت جامعه اسلامی صورت گرفت. «سریه موته» نشان داد که اسلام، هراسی از مقابله با قدرت‌های بزرگ ندارد و اگر برخلاف عرف سیاسی^۱ منافع هویتی و وجودی‌اش تهدید شود، با شجاعت و سلحشوری در برابر زیاده‌خواهان خواهد ایستاد تا عزت جامعه اسلامی حفظ شود. در «غزوه تبوک» نیز، سپاه اسلام- علی‌رغم سستی و نفاق برخی از منافقان- در قالب نمایشی شجاعانه و عزت‌مندانه، در مرزهای شرقی حضور یافتند و سعی نمودند تا شکست پیشین (موته) را جبران کنند و اعتبار و عزت جامعه نوپای خود را در برابر هجوم بیگانگان زنده نگه دارند.

گفتنی است اگر پیامبر گرامی اسلام، قصد انتقام نبرد موته را داشت، می‌بایست برای

۱؛ زیرا حاکم موته شرحبیل بن عمرو غسانی، بر خلاف عرف سیاسی و اجتماعی و اخلاقی، حارث بن عمیر آزادی فرستاده پیامبر ﷺ را- که حامل نامه رسول خدا برای پادشاه بصری بود- در میان راه به قتل رساند (ابن سعد، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۱۹).

مواجهه با رومیان، از منطقه تبوک به سوی شام فراتر می‌رفت؛ درحالی که پیامبر ﷺ برای نبرد احتمالی با رومیان، از تبوک فراتر نرفت و پس از حصول اطمینان از عدم حضور نظامی رومیان و منتفی شدن احتمال تهاجم آنان، به مدینه بازگشت (آرمین، ۱۴۰۳: ۲۱۱-۲۱۲).

۳-۵. اهمیت یافتن هویت

در ادامه، موضوع «اهمیت یافتن هویت» در دو بخش «اولویت یافتن امنیت هستی‌شناختی به امنیت فیزیکی» و «دنباله‌روی نخبگان تصمیم‌گیر از دیگر نخبگان و توده» بررسی می‌شود.

۳-۵-۱. اولویت یافتن امنیت هستی‌شناختی به امنیت فیزیکی

در جوامع عزت‌محور، «اولویت بقا و امنیت» پایین‌تر از «اولویت هویت» قرار دارد؛ یعنی در چنین جامعه‌ای «امنیت هستی‌شناختی» نسبت به «امنیت فیزیکی»، شأن و اولویت بیشتری دارد. به بیان دیگر، اگر یک واحد سیاسی، امنیت هستی‌شناختی‌اش را بر امنیت فیزیکی ترجیح دهد، این جامعه در پی حفظ حیثیت، عزت و کرامت خود از طریق هویت است. این نگاه، در آیاتی از سوره توبه که به غزوه تبوک اشاره دارد، مدنظر قرار گرفته است. در این آیات، قرآن کریم عملکرد چهار گروه را بیان کرده؛ و از چهره افرادی که حاضر بودند جهت حفظ جان خود در خانه بنشینند و مؤمنان را همراهی نکنند، پرده برداشته است:

«وَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ؛ و چون سوره‌ای نازل شود که به خدا ایمان آورید و همراه رسولش جهاد کنید، توانمندان‌شان از تو اجازه [معافیت از جهاد] می‌خواهند و می‌گویند: بگذار ما هم همراه خانه‌نشینان [معاف‌شدگان] باشیم» (توبه: ۸۶).

کسانی که سعی کردند به هر نحوی، با بهانه‌های مختلف (وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ)^۱ از صحنه نبردی که برای حفظ نهال نورسیده توحیدی درگرفت، فاصله بگیرند و بقا و امنیت فیزیکی‌شان را بر استقلال و هویت جامعه اسلامی ترجیح دهند. به تعبیر قرآن، این افراد

۱؛ و عذرخواهان آمدند تا به آنان اجازه [ترک جهاد] داده شود.... (توبه: ۹۰)

حاضر بودند با خانه‌نشینان (زنان و کودکان و سالمندان) بمانند، اما در میدان جهاد شرکت نکنند:

«وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ اَنْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِي...»: و از میان آنان کسی است که می‌گوید: مرا [در ماندن] اجازه ده و [با شرکت در جهاد] به فتنه مینداز (توبه: ۴۹).

«رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ»: راضی شده‌اند که با خانه‌نشینان باشند (توبه: ۸۷).
«إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُوكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ»: [ایراد] تنها بر کسانی است که با وجود توانگری، از تو اجازه [مُعافیت از جهاد] می‌خواهند! از اینکه با خانه‌نشینان بمانند، خشنودند (توبه: ۹۳).

در آیه ۴۹ سوره توبه، عبارت «وَلَا تَفْتِنِي» = مرا به فتنه مینداز را چنین تفسیر کرده‌اند که منافقان نمی‌خواستند دست‌خوش مشکلات لشکرکشی قرار گیرند؛ و از خسارت‌های احتمالی که برای دارایی‌شان - در زمان دوری آنان از خانه - به وجود می‌آید، بیمناک بودند (نصر، ۱۴۰۱، ج ۳: ۴۸۳). با این وجود، قرآن کریم در هشدار صریح و آشکار، کسانی را که برای حفظ موقعیت فردی و مادی خود به متاع ناچیز دنیا دل خوش کرده‌اند، نکوهش می‌کند و به آنان می‌گوید، چرا در راه خدا با مال و جان‌شان جهاد نمی‌کنند:

«مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ ائْتِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اِنَّا قُلْنَا إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ»: شما را چه شده است که وقتی به شما گفته می‌شود: در راه خدا رهسپار [جهاد] شوید، سخت به زمین [خانه و زندگی] چسبیده‌اید؟ آیا به جای آخرت، به زندگی دنیوی دل خوش کرده‌اید (توبه: ۳۸)؟

گفته‌اند این آیات درباره کسانی است که وقتی پیامبر ﷺ در سال نهم هجری یارانشان را برای غزوه تبوک آماده می‌کردند - به دلیل گرمای هوا، دوری مسافت، ترس از جان و سپاه مقابل - از همراهی ایشان سر باز زده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶: ۴۷).

بنابراین از نگاه نظریه امنیت هستی‌شناختی، قرآن کریم تلاش برای حفظ استقلال و مقابله با تهدیدات هویتی را که در جهت حاکمیت بخشیدن ارزش‌های الهی صورت می‌گیرد، بسیار مهم‌تر و ارزشمندتر از «بقامحوری» و «امنیت فیزیکی» افراد می‌داند و در

آیات سوره توبه، به تشویق و تمجید از رویکرد شجاعانه مؤمنان می‌پردازد (توبه: ۲۰، ۸۸ و ۱۱۱).

۵-۳-۲. دنباله‌روی نخبگان تصمیم‌گیر از توده مردم

همان‌طور که گفته شد غزوه تبوک در تابستان سال نهم هجری واقع شد و مورخان به دلیل سختی و مشکلات فراوانش مانند گرمای شدید، مسافت طولانی، نبود امکانات کافی و کمبود آب، آن را «جِشُّ الْعُسْرَةِ»^۱ نامیدند (ابن سعد، ۱۴۲۱، ج ۳: ۲۲). در این میان برخی از روایات تاریخی، صحنه‌هایی از اخلاص و مهربانی افرادی را به تصویر کشیده است که شوق جهاد و یاری دین، در آن موج می‌زند (واقفی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۹۹۱). کسانی که در مکتب اسلام تربیت شده بودند تا راحت و آسوده، جان‌های خود را در راه خدا فدا سازند و اموالشان را برای تحقق آرمان‌هایشان انفاق کنند:

«لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ...»: اما [برخلاف خانه‌نشینان] رسول و کسانی که با او ایمان آورده‌اند، با اموال و جان‌هایشان جهاد کردند (توبه: ۸۸).

باری، در فرازی از آیات سوره توبه که به آماده‌سازی سپاه پیامبر ﷺ اشاره دارد، برخی از توده مردم -بر خلاف منافقین بهانه‌گیر و خانه‌نشینان توانگر- با چشمانی گریان (وَأَغْنِيَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ)، مشتاقانه خواهان شرکت در جبهه نبرد بودند و با ترغیب و تشویق پیامبر ﷺ، از ایشان خواش می‌کردند تا بتوانند در لشکرکشی تبوک، سپاه مسلمانان را یاری کنند؛ اما به دلیل کمبود امکانات، پیامبر اسلام نتوانستند نیازشان را برآورده سازند و برخی از آنان که تنها مال و توشه اندکی برای بخشش و انفاق داشتند، دریغ نورزیدند و منقلب و نگران، راهشان را کشیدند و رفتند:

«وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَ أَعْيَنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ»: و باکی نیست بر کسانی که نزد تو آمدند تا مرکبی به آنان بدهی، به ایشان گفתי: چیزی نمی‌یابم تا بر آن سوارتان کنم. [در آن هنگام] بازگشتند درحالی که چشمانشان اشک می‌بارید از اندوه اینکه [چرا] چیزی برای انفاق نمی‌یابند (توبه: ۹۲).

۱. سپاه سختی و تنگ‌دستی (توبه: ۱۱۷).

با توجه به آیه فوق و نیز نظریه هستی‌شناختی، می‌توان گفت: برخی از مردم زمان پیامبر ﷺ هستی و پایداری جامعه نوپای اسلامی را بسیار مهم‌تر و ارزشمندتر از بقا و ماندگاری افراد می‌دانستند؛ و بدین‌وسیله پیام آشکاری را برای نخبگان تصمیم‌گیر جامعه می‌فرستادند و آنان را تشویق و ترغیب می‌کردند تا استوارتر از گذشته، بر سر آرمان‌های اسلامی بایستند و بدون ذره‌ای عقب‌نشینی و با اراده‌ای قوی‌تر، از اهداف جامعه نوپای اسلامی برای حفظ و دفاع از «هویت» اسلامی تلاش کنند. به بیان دیگر، تصویر واقعی شوق و رغبت توده مردم در آیه ۹۲ سوره توبه، بیانگر میزان نگرانی مؤمنان صادقی بوده است که علی‌رغم اینکه شرایط شرکت در جهاد برای آنان فراهم نبوده، اما خواست و اراده قلبی آن‌ها همواره با مجاهدان بوده است؛ چنانکه پیامبر گرامی اسلام در تأیید همین مسئله، خطاب به مؤمنان حاضر در غزوه تبوک فرمود: «اینک مردانی در مدینه هستند که شما هر مسیر و دره‌ای را که پشت سر می‌گذارید، آنان نیز با شما هستند» (بخاری، ۱۴۳۳، ج ۴: ۶۹).

۵-۴. منزلت‌جویی

سومین مؤلفه عزت‌جویی، منزلت‌جویی است که بر شکل‌گیری، تداوم و پایان منازعات تأثیرگذار است. در ادامه، با توجه به آیات ۱۱۰-۱۰۷ سوره توبه، به یکی از مفاهیم عینی منزلت‌جویی، یعنی «احیاء اعتبار» اشاره می‌شود:

۵-۴-۱. احیاء اعتبار

در ادبیات قرآنی، «مسجد» از جایگاه بسیار مهمی برخوردار بوده و بارها بر حرمت و منزلت آن تصریح شده است (بقره: ۱۱۴)؛ چراکه مسجد به‌عنوان مهم‌ترین نماد هویت و اعتبار جامعه اسلامی، نخستین پایگاهی است که در اسلام بنا شد و از گذشته تاکنون، علاوه بر کاربرد عبادی، کارکردهای اجتماعی، سیاسی، آموزشی و آگاهی‌بخشی داشته است. در آیات قرآن بر تقویت این کانون ارزشمند برای احیای هویت دینی تأکید شده است (توبه: ۱۸-۱۷)؛ هویتی که همواره مانعی در برابر سلطه منافقان، ستمگران و کانونی برای صلح، آشتی و اتحاد یک ملت، آن‌هم بر مبنای آرمانی واحد بوده است.

باری، آیات ۱۱۰-۱۰۷ سوره توبه به ماجرای «مسجد ضرار» می‌پردازد. این آیات در بیان

یکی از نیرنگ‌های منافقان در حق پیامبر ﷺ و مؤمنان نازل شده است. چنانکه گفته‌اند: پیش از آنکه پیامبر گرامی اسلام به مدینه هجرت کند، در آن شهر، فردی نصرانی به نام ابوعامر راهب از جایگاه معنوی خاصی برخوردار بود، پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، وی از پذیرش اسلام خودداری کرد و در مواضع گوناگون، به مخالفت با ایشان روی آورد. ابوعامر که توان رویارویی با گسترش اسلام در حجاز را نداشت، به روم گریخت و از هرقل یاری طلبید و هرقل نیز به او وعده یاری داد. آنگاه به گروهی از منافقان مدینه نامه‌ای نوشت که به زودی همراه لشکری از روم، به جنگ پیامبر ﷺ خواهد آمد و به آنان فرمان داد تا برای تحرکات خود، جایگاه امنی را فراهم آورند. منافقان نیز به بهانه اینکه برخی از نمازگزاران، توان حضور در مسجد قبا را ندارند، شروع به ساختن مسجدی در کنار مسجد قبا کردند و از پیامبر ﷺ خواستند در آنجا نماز بگزارد. آن حضرت در پاسخ آن‌ها فرمود: «من آماده سفری [به تبوک] هستم، اگر بازگردم و خدا بخواهد در آنجا نماز می‌گزارم»؛ اما به هنگام بازگشت پیامبر ﷺ از تبوک، آیاتی در مورد «مسجد ضرار» و توطئه منافقان نازل شد و اهداف ناپسند آنان را بر ایشان آشکار ساخت و رسول خدا نیز دستور داد آن مسجد را بسوزانند و ویران کنند (نک: واقدی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۱۰۴۷-۱۰۴۵).

«وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»: و [گروهی دیگر] کسانی هستند که مسجدی را اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که پیش از این به جنگ با خدا و رسولش پرداخته بود. [با این وجود، به دروغ] سوگند مؤکد یاد می‌کنند که هدفی جز [انجام کار] خیر نداریم و خدا گواه است که دروغ می‌گویند (توبه: ۱۰۷).

در این آیه، به جای فعل «يَعْمُرُ» یعنی: ساختن و آباد کردن مسجد (إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ... توبه/ ۱۸)، «اتَّخَذُوا» به کاررفته که تأکیدی بر تغییر کاربری و سوءاستفاده نامشروع از این مکان است. «ضِرَار» از ریشه «ضَرَر» نیز، به معنای زیان رساندن تعمدی است که در رفتار و انگیزه‌های منافقانه بانیان و متولیان آن مسجد ریشه دارد.

این حادثه، هر سه مرحله احیا اعتبار را که شامل تحقیر، خشم و انتقام می‌شود، در برمی‌گیرد. با این توضیح که منافقان بهترین راه را برای منحرف ساختن افکار عمومی و نیز ناکام گذاشتن برنامه‌های پیامبر ﷺ، مقابله با مفاهیم و ارزش‌هایی دانسته‌اند که در جامعه قرآنی و پیامبرپسند، از «اعتبار» و موقعیت مهمی برخوردارند. بی‌شک «زیر سؤال بردن و تحقیر» این مفاهیم حرکت آفرین، آرام‌آرام به ایجاد شکاف در میان مسلمانان (تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ) و نیز افول نهضت نوپای اسلامی می‌انجامد. گویا این آیین منافقان هر عصر و زمانی است که با استتار در پرده‌ای از نمادهای دینی و سوگندهای دروغین، سعی می‌کند برنامه‌های خود را عملی سازند و با تفرقه در جامعه مسلمین باعث تحقیر آنان شوند. به همین دلیل قرآن کریم این تهدید را یک جنگ آشکار از سوی منافقانی برشمرده است (لَمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ) که به دروغ، سوگند مؤکد یاد می‌کنند که از ساختن مسجد ضرار، هدفی جز خیر و نیکی نداشته‌اند! (وَلْيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى)

از سوی دیگر ساختار آیه ۱۰۷ سوره توبه، بیانگر «خشم خدا و رسولش» از این رفتار ناپسند منافقان است؛ زیرا در بخش پایانی این آیه: «وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»، انواع تأکیدها برای تکذیب منافقان به کار رفته است. «جمله اسمیه»، کلمه «إِنَّ» و نیز «لام» تأکید در «لَكَاذِبُونَ»، دلیل روشنی بر استمرار دروغ‌گویی آنان است که قرآن کریم با شدیدترین وجهی، سوگندهایشان را مردود دانسته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۱۳۸-۱۳۹). از این رو از پیامبر اسلام می‌خواهد، هرگز در آن مسجد به نماز نایستد و با منافقان همراهی نکند: «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا». همین هشدار صریح قرآن باعث شد که پیامبر ﷺ بلافاصله پس از رسیدن به مدینه، از اهداف شوم منافقان که در لباس و ظاهری فریبنده رخ نشان داد، «انتقام سختی بگیرد»^۱ و به این تهدید جدی آنان پاسخ مناسبی دهد تا ایمان و اعتبار جامعه اسلامی دچار تزلزل نشود و باور مؤمنان دستخوش تغییر نگردد:

«...فِيهِ رِجَالٌ يَجِبُونَ أَنْ يَنْتَظَرُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»: در آن مکان [مسجد تقوا= قبا]

۱. در روایات تاریخی چنین آمده است که پیامبر ﷺ عاصم بن عدی عجلانی و مالک بن دُخشم را فراخواند و به آنان فرمود: به سوی مسجدی که مردمی ظالم آن را ساخته‌اند، بروید و خرابش کنید و آتش‌اش بزنید (واقعی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۱۰۴۶).

مردانی هستند که دوست دارند پاک و پیراسته شوند و خدا نیز پاکی طلبان را دوست دارد (توبه: ۱۰۸).

نتیجه‌گیری

برای تأمل و تدبر سنجیده‌تر در باب سیاست خارجی عزت‌طلب در متون اسلامی و قرآنی، داشتن بنیان و سازه‌ای تئوریک، امری اجتناب‌ناپذیر است. از سوی دیگر، با توجه به اینکه اکثر نظریات و پارادایم‌های روابط بین‌الملل از آغاز در بستر معرفتی جهان غرب شکل گرفته‌اند، از این‌رو نگرانندگان این مقاله ضروری دانسته‌اند تا با خلق سازه‌ای تئوریک از روابط بین‌الملل، با محوریت عزت‌طلبی و سپس ایجاد پیوندی سازنده میان این سازه تئوریک و آیات سوره توبه، سیاست خارجی عزت‌طلب را صورت‌بندی کنند.

اسلام‌گرایی و فرهنگ اسلامی-قرآنی و طرح مؤلفه‌های اساسی آن همچون: عزت‌نفس، منزلت‌طلبی، کرامت انسانی، جوانمردی، عدالت، احترام، قاعده نفی سبیل و... از جمله شاخص‌هایی هستند که در نگاه امنیت‌هستی‌شناختی، راهبردهای قرآنی مبتنی بر امنیت هویتی، قلمداد می‌شوند.

بر این اساس در چارچوب امنیت وجودی، اهداف سیاست خارجی اسلامی، صرفاً توسعه و کسب دستاوردهای مادی گرایانه نیست، بلکه حفظ مبانی هویتی، هنجارها و انگاره‌های اسلامی نیز موردتوجه است. به‌گونه‌ای که تخطی از این امر در عرصه سیاسی (داخلی و خارجی)، به‌عنوان ناامنی هستی‌شناختی تلقی می‌شود. در این مسیر هرچند تحمل تحریم‌ها و فشارهای ساختاری به زیان منافع مادی و سطح زندگی مسلمانان خواهد بود، اما از آنجایی که رضایت «وجودی» را به همراه دارد، امری عقلایی محسوب می‌شود.

مخاطبان این مقاله با تجزیه و تحلیل مباحث مطرح‌شده در آن، به خوبی می‌توانند شمایی از یک نظریه روابط بین‌الملل اسلامی را ردیابی کنند و از این رهگذر به نتایج مفیدی دست یابند. نتیجه‌ای که اگر عزت‌طلبی را به‌عنوان یکی از ثابتهای اصول سیاست خارجی اسلام مفروض بگیریم، با تأمل در آیات سوره توبه، پی خواهیم برد که به جز مفاهیمی چون کسب «قدرت»، «ثروت» و «امنیت» در نظریات غربی، مفاهیم دیگری

همچون «عزت جویی و منزلت طلبی» نیز به منظور تبیین سیاست خارجی و فهم روابط بین‌الملل، قابلیت استخراج دارند. نویسندگان این تحقیق کوشیدند مفهوم عزت طلبی را به سه مؤلفه «محدودیت خودخواسته در منازعات»، «اولویت هویت» و «منزلت جویی» تبدیل نموده و با مصداق‌یابی آن‌ها در آیات سوره توبه، «عزت جویی و منزلت طلبی» را به‌عنوان اصول ثابت سیاست خارجی اسلامی معرفی نمایند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

قرآن کریم.

- آرمین، محسن (۱۴۰۳). شش گفتار دربارهٔ خشونت در قرآن. تهران، نی.
- ابن سعد، محمد (۱۴۲۱ ق). الطبقات الکبیر. (تحقیق: علی محمد عمر). قاهره، مکتبه الخانجی، ج ۲ و ۳.
- ایوب، محمد (۱۳۸۱). معضل امنیت ملی در جهان سوم. (ترجمه: احمد محمودی). تهران، مطالعات راهبردی، ۱۶ (۵)، ۵۰۳-۵۱۱.
- بازرگان، عبدالعلی (۱۳۷۵). نظم قرآن. تهران، قلم، ج ۱.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۳۳ ق). صحیح البخاری. قاهره، دارالتأسیل، ج ۴.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۲ ق). فتوح البلدان. (مصحح: رضوان محمد رضوان) بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بهارا، ناویتا چادا (۱۳۸۹). نگارش دوباره روابط بین‌الملل در هند. آکاریا، امیتارو و باری بوزان، نظریه‌های غیرغربی روابط بین‌الملل. دیدگاه‌هایی درباره آسیا و فراسوی آن. (علیرضا طیب، مترجم). تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- حاجی‌ناصری، سعید، و خدادی، حسن (۱۳۹۵). انسان‌شناسی نظریه‌های امنیت، پیش‌پارادایم روح‌محور (عزت‌جو) در روابط بین‌الملل، بررسی موردی عزت‌جویی جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس. رهیافت انقلاب اسلامی. تهران، ۳۵ (۱۰)، ۱۱۳-۱۳۵.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۹۵). قرآن پژوهی. تهران، علمی و فرهنگی، ج ۲.
- دروّزه، محمد عزت (۱۴۲۱ ق). التفسیر الحدیث. بیروت، دارالغرب الإسلامی، ج ۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، و شکری، مرتضی (۱۳۹۹). تحلیل راهبرد مقاومت در دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، براساس نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. تهران، ۱ (۱۲)، ۱۳-۴۲.
- سبّاستین، لونارد و ایرمن لانتی (۱۳۸۹). تصور رویکردهای اندونزیایی در قبال نظریه روابط بین‌الملل. آکاریا، امیتارو و باری بوزان، نظریه‌های غیرغربی روابط بین‌الملل، دیدگاه‌هایی درباره آسیا و فراسوی آن. (علیرضا طیب، مترجم). تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ج ۹.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. (سیدمحمدباقر موسوی همدانی، مترجم). قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۹.
- طبرسی، فضل بن محمد (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران، ناصر خسرو، ج ۵.
- فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ ق). التفسیر الکبیر. بیروت، دارالکتب العلمیة، ج ۱۶.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الإسلامیة، ج ۷.
- نصر، سیدحسین (۱۴۰۱). تفسیر معاصرانہ قرآن کریم. (انشاءالله رحمتی، مترجم و محقق). تهران، سوفیا، ج ۳.
- واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۴ ق). المغازی. (مارسدن جونز، محقق). بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ج ۳.
- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب (۱۴۳۱ ق). تاریخ الیعقوبی. (عبدالأمیر مهنا، محقق). بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ج ۱.

Bowman, James (2006). *Honor: a History*. New York, Encounter Books.

Lebow, Richard (2008a). *A Cultural Theory of International Relations*. New York: Cambridge University Press.

Lebow, Richard (2008b). "Identity and International Relations". *International Relations*. 22: (4): 473-492.

Mitzen, Jennifer (2006). "Ontological Security in World Politics: State Identity and the SecurityDilemma". *European Journal of International Relations*. 12(3): 341-370.

O'Neill, Barry (1999). *Honor, Symbols and War*. Ann Arbor, University of Michigan Press.

Onuf, Nicholas (2009). "Motivation". *International Relations*. 23(1): 143-148.

Steele, Brent (2008). *Onlogical Security in International Relations: Self-Identity and the IR State*. London and New York, Routledge.

Waltz, Kenneth (1979). *Theory of International Politics*. New York: Random House.

Wolf, Reinhard (2011). "Respect and disrespect in international politics: the significance of statusrecognition". *International Theory*. 3(1): 105-142.